مطالعات اسلامی: تاریخ و فرهنگ، سال چهل و دوم، شمارهٔ پیاپی ۸٤،
بهار و تابستان ۱۳۸۹، ص ۱٤۰-۱۲۳

بررسی کتاب مفقود مَعالم العِترة النبویه جُنابَذی (د ۶۱۱)*

دکتر منصور داداش‌نژاد
عضو هیأت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
Email: m.dadash@yahoo.com

چکیده
تاریخ نویسی اهل سنت در موضوع زندگانی ائمهٔ اطهار(ع)، هم‌پای شیعیان آغاز شده و پیوسته استمرار داشته است. سیر تطور این جریان که به تناسب تغییرات فرهنگی جهان اسلام فراز و فرود داشته، نیازمند بررسی‌های جدی است. این مقاله صرف نظر از پرداختن به مباحثی مانند چرایی، چگونگی و بستر تولید این نوشته‌ها، درصدد است به صورت موردی، کتاب مفقود و کمتر شناخته شدهٔ *معالم العترة النبویة* جُنابَذی، دانشمند سنی مذهب قرن ششم، را بررسی کند. اکثر گزارش‌های کتاب جنابذی به کتاب *کشف الغمة فی معرفة الائمه* اربلی (د. ٦٩٢) دانشمند معتبر شیعی مذهب، راه یافته است. تاریخ‌نگاری جنابذی و جایگاه وی در منابع بعدی، در این مقاله بررسی شده است تا فضای روشن‌تری از تأثیر متقابل تأثر منابع شیعی و اهل سنت به دست آید.

کلید واژه‌ها: جنابذی، معالم العترة، تاریخ نگاری

---

* . تاریخ وصول:۱۳۸۹/۰۳/۰۸؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۸۹/۰۸/۱۰.

مقدمه

دانشمندان اهل سنت به گونه‌های مختلف بـه زنـدگانی دوازده امـام شـیعیان پرداختـه، آثاری در این زمینه تدوین کرده‌اند. این آثار برخی مستقل‌اند و موضوع اصلی آنها شرح حال، تاریخ و مناقب ائمه است و برخی دیگر به‌گونـه غیـر مسـتقل بـه زنـدگی امامـان پرداخته‌اند. بررسی کتاب‌های حدیثی، تراجم و تاریخ اهل سنت، نشـانگر آن اسـت کـه شرح حال تعدادی از ائمه در این کتاب‌ها درج شده است. کتاب‌های حدیثی که بابی را به فضایل و مناقب اصحاب رسول خدا اختصاص داده‌انـد، مناقـب امـام علـی(ع)، امـام حسن(ع)، امام حسین(ع) و فاطمه زهرا(س) را نوشته‌اند. کتاب‌های تـراجم نیـز کـه بـا تکیه بر شرح حال محدثان و حاملان معارف نبوی تدوین شده، در بر دارنده شرح حال شش امام اول شیعیان می‌باشد. کتاب‌های تاریخی نیز به تناسب حضور سـه امـام اول و امام هشتم در حوادث تاریخی، آگاهی‌ها و اخبار مربوط به ایشان را منعکس کرده‌اند.

علاوه بر نوشته‌های بالا که به گونۀ غیر مستقل بـه شـرح حـال ائمـه پرداختـه‌انـد، دانشمندان اهل سنت از قدیم کتاب‌هایی را مستقلا درموضوع تاریخ و مناقب اهل بیـت و امامان شیعه تدوین کرده‌اند که از جمله قدیم‌ترین این کتاب‌ها که باقی مانـده *الذریـة الطاهره* دولابی(د۳۱۰) و مناقب *الامام علی‌بن ابی طالب(ع)*، ابن مغازلی(د ٤۸۳) اسـت. بعدها این نوشته‌ها توسعه یافت به گونه‌ای که در قرن ششم حجم قابل توجهی یافت و گـاه منـابع شـیعی را زیـر تـأثیر قـرار داد و آنهـا را وام دار خـویش سـاخت. یکـی از کتاب‌هایی که در این قرن تدوین شده، کتاب مفقود *معالم العترة النبویة* جنابذی است که به شرح حال و مناقب ائمۀ اطهار پرداخته است. در این نوشتار به منظور به دسـت دادن نمونه‌ای از تاریخ نگاری اهل سنت در موضوع زندگانی ائمه به بررسـی ایـن کتـاب بـر اساس موارد برجای مانده از آن در لابلای کتاب‌های بعدی پرداخته‌ایم.

شرح حال جنابذی

نام و نسب نویسندۀ *معالم العترة النبویه*، چنین ثبت شده است: عبد العزیز بن محمود بن

مبارک جُنابذی، کینه‌اش ابومحمد و لقبش تقی‌الدین بود و به ابـن اخضـر بـزّاز شـهرت داشت. خاستگاه او جُنابَذ (=گُنابـاد) بـود[۱]، امـا در بغـداد بـه سـال ٥٢٤ زاده شـد و در همان‌جا بالید. یاقوت محل سکونت وی را در شرق بغداد می‌نویسـد (یـاقوت حمـوی، ١٦٥/٢). جنابذی ۸۷ سال عمر کرد و در سال ٦١١ ق در بغـداد درگذشـت (ابـن اثیـر، ۳۰۵/۱۲). ذهبی با تعبیر مُعمَّر از او یاد کرده است(ذهبی، ***سیر اعـلام النـبلاء***، ۲۲/ ۳۱؛ همو، ***تاریخ الاسلام***، ٧٤/٤٤).

شاگردان وی مانند ابن دبیثی (د ٦٣٧)، ابن نجّـار(د ٦٤٣) – کـه هـر دو ذیلـی بـر تاریخ بغداد نوشته‌اند– و یاقوت حموی(د ٦٢٦) در *معجـم البلـدان* شـرح حـال وی را نوشته‌اند. ابن دبیثی گزارشی از فعالیت‌های علمی وی را بـه دسـت داده و او را شـیخی ثقه و مُکثر معرفی کرده است که از کودکی در پی اسـتفادهٔ علمـی از مشـایخ بـود(ابـن دبیثی، ١٣٧/٤– ۱۳۹). به نوشتهٔ ابن دبیثی او به اندازه‌ای در این عرصه فعال بـود کـه در میان همتایان خود، بیشترین سماع را داشت و به مدت شصت سال پیوسته در صدد نقل روایت و جمع حدیث بود. ذهبی از او با عنوان«حافظ عراق» یاد می‌کند و می‌نویسد که به دانش حدیث عنایت تام داشت(ذهبی، ***تاریخ الاسلام***، ٧٤/٤٤). جنابذی خط نیکویی داشت و کتاب‌های بسیاری را به خط خـود استنسـاخ کـرد(ابـن مفلـح، ۱۸۲/۲). او در مسجد جامع القصر بغداد حـدیث تـدریس مـی‌کـرد و طـی سـالیان متمـادی شـاگردان بسیاری در همین مکان از او حدیث آموختند. شاگرد دیگر جنابذی، ابن نجار نیز شـرح حال او را نوشته که اینک موجود نیست و از جمله بخش‌های مفقودِ ذیلِ ابن نجـار بـر تاریخ بغداد است، اما گزارش آن در کتاب‌های دیگر مانند *طبقات الحنابلـه* ابـن رجـب (***کتاب الذیل علی طبقات الحنابله***، ٧٩/٤) و *تاریخ الاسلام* ذهبی(ذهبی، ٧٥/٤٤) آمده است.

---

۱. گناباد، شهری در خراسان که از باختر به تون(فـردوس) و از شـمال بـه تربـت حیدریـه و از خـاور بـه بخـش رشتخوار و از جنوب به قاین محدود است.

از جمله مشایخ جنابذی، ابوبکر محمد بن عبد الباقی انصاری، ابوالبرکات عبد الوهاب بن مبارک انماطی، ابو محمد عبد الجبار بن احمد بن توبه، ابو منصور محمد بن عبد الملک بن خیرون، ابو سعد احمد بن محمد بغدادی بوده‌اند. او شاگردان بسیاری داشته که از وی مطالبی را نقل کرده‌اند مانند ابن دبیثی، ابن نقطه، ابن نجار، برزالی و فرزندش علی بن عبد العزیز جنابذی(ذهبی، تاریخ الاسلام، ۷۵/٤٤).

مذهب

جنابذی به لحاظ مذهبی، حنبلی مذهب بود و یاقوت حموی شاگرد وی، او را متعصب در مذهب احمد بن حنبل معرفی می‌کند(یاقوت حموی، ۱٦٥/۲). ابن رجب (د ۷۹٥)، نیز در ذیل بر طبقات الحنابله که در صدد معرفی حنبلی مذهبان است، شرح حال نسبتاً بلندی از وی نوشته است(ابن رجب، ۷۹/٤). شیخ آقابزرگ در ***الذریعه*** برای کتاب *معالم العتره النبویه* عنوانی قرار داده است و بر این که نویسنده آن حنبلی مذهب است تصریح می‌کند؛ با این حال می‌نویسد کتاب *معالم العترة* را باید از کتاب‌های شیعیان دانست، زیرا در آن، حقایق بیان و از تعصب اجتناب شده است(آقا بزرگ، ۲۰۱/۲۱). رجالیان اهل سنت او را ثقه و صالح معرفی کرده‌اند(ذهبی، ***تذكرة الحفاظ***، ۱۱۸/٤).

کتاب‌ها

شاگردان وی مانند ابن نجار و ابن دبیثی اظهار کرده‌اند که وی بسیار پی‌گیر نقل و جمع حدیث بوده، کتاب‌ها و اجزای بسیاری در اختیار داشته و در این راه هزینهٔ بسیاری نیز صرف کرده است. همچنین دربارهٔ او می‌نویسند که در آن عصر وی در کثرت مسموعات سرآمد همگان بود و شناخت کامل و کافی نسبت به مشایخ حدیث داشت. او به عنوان حافظ عراق در عصر خویش شناخته می‌شود که در زمینه‌های گوناگون دست به تدوین کتاب زد. صفَدی می‌نویسد که وی دارای تصانیف مفید بود و حلقه درسی در جامع القصر (در بغداد) داشت (صفدی، ٥٥۸/۱۸).

کتاب‌هایی که از وی به‌جا مانده عبارت است از: *تنبیه اللبیب و تلقیح فهم المریب فی تحقیق أوهام الخطیب، المقصد الارشد فی ذکر من روی عن الامام احمد، تلخیص وصف الأسماء فی اختصار الرسم و الترتیب*(کحّاله ٢٦٢/٥)، *الإصابة فی ذکر الصحابة و أبناء الصحابة، فضائل شعبان، طرق جزء الحسن بن عرفه.*

نویسندگان اهل سنت مانند ابن دبیثی و ابن نجار که با جنابذی آشنا بوده؛ شرح حال وی را نوشته و از کتاب‌های وی یاد کرده‌اند، متاسفانه از کتاب *معالم العترة النبویه* یاد نکرده‌اند. حاجی خلیفه در *کشف الظنون* از این کتاب جنابذی نام برده و نام آن را چنین نوشته است: *معالم العترة النبویه و معارف اهل البیت الفاطمیه*(حاجی خلیفه، ١٧٢٦/٢). اسماعیل پاشا در *هدیه العارفین* اظهار داشته که یاقوت حموی این کتاب را از تألیفات جنابذی شمرده است(اسماعیل پاشا بغدادی، ٥٧٩/١)، اما در *معجم البلدان* از این کتاب جنابذی یادی نشده، تنها بر این نکته که وی در زمینهٔ حدیث مصنفات نیکویی داشته تصریح شده است(یاقوت حموی، ١٦٥/٢). در *معجم الادباء* نیز شرح حالی برای او ثبت نشده است.

دو تن از نویسندگان پس از جنابذی که عبارتند از اربلی (د ٦٩٢ ق) و سمهودی (د ٩١١ق)، ضمن استفاده از کتاب وی از عنوان نوشتهٔ او نیز یاد کرده‌اند. اربلی نام کامل کتاب را در *کشف الغمه* چنین یاد کرده است: *معالم العترة النبویّة العلیّة و معارف أئمّة أهل البیت الفاطمیّة العلویّة*(اربلی، ٤٢٧/١). سمهودی نیز در *جواهر العقدین* چندین بار از این کتاب با دو تعبیر *معالم العترة النبویة*(سمهودی،١١/٢-١٢) یا *معالم العترة الطاهره* یاد می‌کند(همو، ٣٥٦/٣، ٤١٥). آقا بزرگ در *الذریعه*، عنوان کتاب وی را چنین ثبت کرده است: *معالم العترة النبویّة العلیّة و معارف الائمّة من أهل البیت الفاطمیّة العلویّة* (آقا بزرگ، ٢٠٠/٢١).

اهمیت و جایگاه کتاب

به نظر می‌رسد نویسندگان پس از جنابذی از این کتاب استقبال کافی نکرده‌اند.

نویسندگان اهل سنت مانند محمد بن طلحة شافعی(د ٦٥٢ ق) نویسندهٔ *مطالب السَئول*؛ سبط بن جوزی(د ٦٥٤ ق)، نویسندهٔ *تذکرة الخواص*؛ محب طبری(د. ٦٩٤ ق)، نویسندهٔ *ذخائر العقبی*؛ زرندی (د ۷۵۷ ق)، نویسندهٔ *معارج الوصول و* جزری (د ۸۸۳ ق) نویسندهٔ *اسنی المطالب* که در زمینهٔ تاریخ و زندگانی ائمه کتاب نوشته‌اند، از این کتاب بهره‌ای نبرده‌اند. جنابذی در پایتخت جهان اسلام یعنی بغداد می‌زیست (نه شهری دور افتاده از مبادلات فرهنگی)، بنابراین شرایط رواج کتابش موجود بوده است. ممکن است این کتاب در شمار آخرین فعالیت‌های فرهنگی وی بوده که فرصت رواج گستردهٔ آن در زمان حیات نویسنده فراهم نیامده است، به گونه‌ای که حتی نزدیکترین شاگردان وی از این کتاب یاد نکرده‌اند.

جنابذی از جمله کسانی بوده که شاگردان شیعی مذهب نیز داشته است. دو تن از این شاگردان عبارتند از: یحیی بن احمد حلی (۶۰۱-٦٨٩ ق) نویسندهٔ *الجامع للشرایع* که در ایام طفولیت از جنابذی سماع کرده است(سیوطی، ۳۳۱/۲) و سید جلال الدین عبد الحمید بن فخار موسوی حایری(د ٦٨٤ ق) (ذهبی، ***تاریخ الاسلام***، ١٨٦/٥١)، اما این دو دانشمند شیعی نیز واسطه نقل و پراکندن کتاب *معالم العترة النبویة* نبوده‌اند. علی‌رغم این که اربلی به واسطهٔ سید جلال الدین موسوی مواردی را از جنابذی نقل می‌کند و می‌نویسد که اجازه روایت از جنابذی را سید جلال الدین به وی داده است(اربلی، ۳۵۳/۱، ٤٩٧)، ولی این موارد از کتاب *معالم العتره النبویه* نیست بلکه منقول از منابع دیگر است.

در میان نویسندگان شیعی پس از جنابذی، تنها اربلی که یک تا ده سال پس از وی به دنیا آمده و فاصله زمانی زیادی با وی نداشته، این کتاب را در اختیار داشته و مواردی از آن نقل کرده است. دیگر نویسندگان شیعی که روایات جنابذی را نقل نموده‌اند همه به واسطهٔ *کشف الغمه* اربلی است. در میان دانشمندان اهل سنت نیز سهمودی (د ۹۱۱ق) این کتاب را در اختیار داشته و مواردی از آن نقل نموده است.

برخی نویسندگان بعدی اهل سنت نیز به واسطهٔ سمهودی از جنابذی نقل کردهاند. موارد استفاده از *معالم العترهٔ* جنابذی در منابع بعدی، در دو دسته منابع شیعی و منابع اهل سنت عرضه می‌شود:

منابع شیعی

۱. اربلی (د ٦۹۲ ق)، در *کشف الغمه*: اربلی کتاب جنابذی را در اختیار داشته و آن را به اجازه تاریخ نگار شهیر تاج الدین علی بن انجب بن ساعی شافعی(د ٦٧٤ ق) و او از مصنف کتاب یعنی جنابذی نقل کرده است(اربلی، ٤٢٧/۱؛ ذهبی تصریح می‌کند که ابن ساعی راوی از ابن اخضر بوده است: (ذهبی، ***تاریخ الاسلام***، ١٦١/٥٠). اربلی در کشف الغمه روایات جنابذی را معمولاً یکجا و پشت سر هم در قسمت مربوط به هر امام آورده است که در برخی موارد حجم آن به چندین صفحه می‌رسد. نقل طولانی از جنابذی، اربلی را واداشته، برای آگاهی دادن به خواننده، در پایان هر نقل، تصریح کند که پایان مطالب نقل شده از جنابذی کجاست تا خواننده دچار اشتباه نشود(اربلی، ٦٤٤/٢). چنان که اربلی خود می‌گوید، گاه عین عبارت جنابذی را نقل نکرده، بلکه آن را مختصر کرده است(همو، ٤٨٣/١). حجم مطالب نقل شده از جنابذی در *کشف الغمه* حدود شصت صفحه است. نقل اربلی از جنابذی به اندازه‌ای چشمگیر بوده که نویسندگان بعدی مانند شیخ عباس قمی (د ۱۳۵۹ق)، هنگام یادکرد از جنابذی، تأکید می‌کنند که مطالب وی مورد استفادهٔ بسیار اربلی قرار گرفته است(قمی، ۲۰۹/۱). کتاب *معالم العتره* به صورت مسند بوده است، اما اربلی تنها یک یا دو نام از ابتدای سند را نقل کرده و از آوردن سند کامل پرهیز کرده است. البته اربلی گاه مواردی که جنابذی مسند مطلب را به صورت نقل ننموده، یاد کرده و تصریح نموده که آن نقل به صورت مرفوع است(اربلی، ٤٧٩/١) و در مواردی که مسند بوده ضمن حذف پاره‌ای از سند با آوردن تعبیر«باسناده...» مسند بودن روایت را یادآور گشته است. نویسندگان دیگری که مطالب جنابذی را به واسطهٔ اربلی نقل کرده‌اند عبارتند از:

- ابن صباغ مالکی (د ٨٥٥ ق)، در *الفصول المهمه*، ٨ مورد از جنابذی نقل کرده است. موارد نقل شده همان مواردی است که اربلی از کتاب *معالم العتره* نقل کرده است. البته ابن صباغ منبع مورد استفادهٔ خود را یاد نکرده و به خواننده چنین القا می‌کند که خود مستقیم از کتاب معالم نقل می‌کند و حال آن که چنین نیست بلکه در این مورد و در موارد دیگر از کتاب اربلی رونویسی کرده است[1].

- حر عاملی(د ١١٠٤ق)، در *اثبات الهداة* این کتاب را از جمله منابع عامه که به صورت غیر مستقیم از آن نقل می‌کند برشمرده(حر العاملی، ٥٥/١) و پنج مورد از آن را به واسطهٔ *کشف الغمه* اربلی نقل کرده است.

- مواردی که سید هاشم بحرانی(د ١١٠٧ق) در *حلیة الابرار* از جنابذی نقل می‌کند، چنان که خود تصریح می‌نماید از *کشف الغمه* اربلی و یا *الفصول المهمه* ابن صباغ مالکی است(بحرانی، حلیة الابرار، ٢٤١/٤، ٦٠٢). همچنین است موارد نقل شده در *عوالم العلوم* شیخ عبد الله بحرانی(قرن دوازدهم) که از *کشف الغمه* نقل می‌شود.

-مجلسی (د ١١١١ق)، نیز در *بحار الانوار* بیش از ٢٥ مورد از جنابذی نقل می‌کند که این موارد به واسطهٔ کتاب *کشف الغمه* است.

- یک مورد که در کتاب *التتمه فی تواریخ الائمه* نوشتهٔ تاج الدین بن علی الحسینی العاملی (قرن ١١) از جنابذی نقل شده است نیز هر چند نویسنده از منبع خود یاد نمی‌کند، اما از *کشف الغمه* اربلی است زیرا پس از مطلب نقل شده عینا همان نتیجه‌گیری را که اربلی بدان رسیده نقل می‌کند(حسینی عاملی، ٦٦).

- مواردی نیز که ماحوزی(د ١١٢١ق)، در *کتاب الاربعین* از جنابذی نقل می‌کند، به تصریح خود از کتاب *الفصول المهمه* ابن صباغ مالکی است(ماحوزی، ٢٤٣، ٣٠٧).

---

١. رونویسی ابن صباغ مالکی در *الفصول المهمة* از *کشف الغمه* اربلی، با بررسی مقایسه‌ای این دو کتاب آشکار می‌شود. در این باره بنگرید به مقاله جویا جهانبخش در *آینه میراث*، شماره ١٨، ١٩ ص ٤٤، سال ١٣٨١، با عنوان «تألیفی رنگ آمیز و تصحیحی شوق انگیز». نگارنده این سطور نیز به تفصیل مقایسه میان این دو کتاب را انجام داده و موارد اخذ و اقتباس را مشخص کرده است.

– سه موردی که شبلنجی (قرن سیزدهم) در *نور الابصار* نقل کرده است(شبلنجی، ۱۷۷، ۲۵۵، ۳۰۳)، به رغم آن که منبع خود را ذکر نکرده، با توجه به مشابهت تعبیرها به نظر می‌رسد از *کشف الغمة* اربلی استفاده کرده باشد. دو مورد از موارد یاد شده در *جواهر العقدین* نیز به همان گونه یافت می‌شود، اما یکی از موارد تنها در *کشف الغمة* آمده ولی در *جواهر العقدین* موجود نیست(همانجا). با توجه به این مورد استفادهٔ وی از کشف الغمه اربلی تقویت و تأیید می‌شود.

منابع جدیدتر مانند *اعیان الشیعه* محسن امین(د ۱۳۷۰ق)، و *شرح احقاق الحق* مرعشی نجفی(د ١٣٦٩ش)، مواردی که از جنابذی نقل کرده‌اند، معمولا از کتاب *کشف الغمة* اربلی است.

۲. عبدالکریم بن طاووس(د ٦٩٣ ق)، در *فَرحۃ الغَری*. وی در این کتاب سه مورد از جنابذی نقل می‌کند که این موارد در بارهٔ تعیین محل قبر امام علی(ع) است. این موارد را عبد الکریم بن طاووس به واسطه شیخ عبد الرحمن بن احمد حربی حنبلی از جنابذی نقل می‌کند ولی هیچ یادی از این که موارد برگرفته از کتاب *معالم العتره النبویه* باشد، نمی‌کند و قرینه‌ای نیز بر آن وجود ندارد. بنابراین نمی‌توان این موارد را برگرفته از *معالم العترة النبویة* جنابذی دانست بلکه از دیگر نوشته‌های جنابذی بوده که به شاگرد خویش منتقل کرده است.

منابع اهل سنت

برخی منابع اهل سنت از جنابذی مواردی به شرح زیر نقل کرده‌اند:

۱. سمهودی (د۹۱۱ ق)، در *جواهر العِقدَین*، سه قرن پس از تدوین کتاب *معالم العترة النبویه*. این کتاب در اختیار سمهودی بوده و ۱۸ مورد از آن نقل کرده است. سمهودی در برخی موارد به صورت مقایسه‌ای از آن نقل می‌کند چنان که در بیشتر موارد به نام کتاب تصریح می‌کند. هر چند ساختار کتاب *جواهر العقدین* که بر اساس موضوعاتی همچون تفضیل اهل بیت، شرف و محبت به اهل بیت است با ساختار *معالم*

العترهٔ که بر اساس ذکر نام معصومان است متفاوت می‌باشد. برخی منابع اهل سنت که گزارش‌هایی را از جنابذی نقل کرده‌اند به واسطهٔ *جواهر العقدین* سمهودی بوده است. هفت موردی که قندوزی(د ۱۲۹٤ق)، در *ینابیع المودهٔ* از جنابذی نقل می‌کند همه به واسطه *جواهر العقدین* سمهودی است. چنان که میرحامد حسین(د ۱۳۰٦ق) در *عبقات الانوار* به واسطهٔ همین کتاب نقل می‌کند(میرحامد حسین، ٤۳۳/۱۸).

منابع دیگر اهل سنت برخی روایات را از جنابذی نقل کرده‌اند که این موارد برگرفته از کتاب *معالم العترهٔ النبویه* نیست بلکه از صحیح *ترمذی* است که روایت‌گر آن جنابذی بوده است. این موارد به شرح زیر است:

– گنجی شافعی(د ٦٥۸ ق) در *کفایهٔ الطالب*. اولین نویسنده از میان اهل سنت که پنج مورد از جنابذی نقل کرده، گنجی شافعی در *کفایهٔ الطالب* است که این موارد را با یک واسطه به نام باذرائی از جنابذی نقل می‌کند، اما هیچ اشاره‌ای به کتاب *معالم العترهٔ النبویه* نمی‌کند و به احتمال همه موارد نقل شده، مربوط به قرائت نسخه‌ای از کتاب ترمذی بوده که جنابذی واسطه در نقل آن بوده است. چنان که در بخش پایانی این اسناد نام ترمذی موجود است و این نشانگر آن است که این موارد را از جامع ترمذی نقل کرده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که موارد یاد شده در *کفایهٔ الطالب*، از *معالم العتره* نیست، بلکه از کتاب ترمذی است که به روایت جنابذی در آمده است. قرینه بر این مطلب آن است که گنجی هیچ یادی از کتاب *معالم العتره* نمی‌کند.

– ابن ابی جَراده (د٦٦۰ ق) در *بُغیهٔ الطلب* به گونهٔ مکاتبه[۱] مطلبی را از جنابذی در بارهٔ فضل و برتری قِنَّسرین نقل می‌کند(ابن ابی جَراده، *بغیه الطلب*، ۱۳/۱) که سند این روایت به ترمذی می‌رسد و قاعدتاً از *معالم العترهٔ النبویه* که موضوعش شرح حال ائمه است، گرفته نشده است.

---

۱. مکاتبه از روشهای تحمل حدیث است و آن بدین گونه است که شیخ حدیث را به خط خود برای شخص دیگری نوشته و ارسال نماید یا دیگری را مکلف نماید که از طرف وی چنین کند (صبحی صالح، ۹۷).

– حمویی(د۷۳۰ ق) در *فَرائد السِمطَین* با یک واسطه، از جنابـذی سـه روایـت در فضایل امام علی نقل می‌کند. این موارد نیز همه از صحیح *ترمذی* است کـه جنابـذی در مسیر نقل آن قرار گرفته است. در یکی از اسناد، حمویی نقل می‌کند که صحیح ترمـذی را به گونهٔ سماع در سال ٦٧٢ از عبد الله بن قاسم شـنیده کـه وی نیـز از جنابـذی نقـل می‌کرده است(حمویی، ١١٧/١). موارد یاد شده هیچ کدام از کتاب *معـالم العتـرة النبویـه* نبوده و هیچ یادی از این کتاب نمی‌شود. همچنین مـواردی کـه سـید هاشـم بحرانـی(د ۱۱۰۷ق) در *غایة المرام* از جنابذی نقل می‌کند(بحرانی، ٦٤/٢؛ ٩٧/٥)، به واسـطهٔ کتـاب *فرائد السمطین* حمویی است.

– جَزَری (د۸۸۳ ق)، نویسنده اَسنی *المَطالب*، حدیثی از امام علی(ع) نقل مـی‌کنـد که در میانهٔ آن نام جنابذی وجود دارد(جزری، ۷۹)، اما قرینه‌ای که نشان دهد مورد نقل شده از *معالم العترة النبویه* است، وجود ندارد.

وجود نام جنابذی در شمار سلسه مشایخی که ابن حجـر(د ۸۵۲ ق)، از طریـق آن جامع ترمذی را قرائت و روایت کرده(ابن حجر، ٤٤٩/٥)، خود گواه این است که یکـی از راویان اصلی این کتاب جنابذی بوده است. و روایات نقل شده از وی در کتاب‌هـای اهل سنت، بیشتر مربوط به روایت‌گری *جامع* ترمذی است نه کتاب *معالم العترة النبویه*.

تاریخ‌نگاری جنابذی

بر اساس موارد بر جای مانده از جنابذی می‌توان در بارهٔ کتاب جنابذی و تـاریخ‌نگـاری وی به مطالب زیر دست یافت:

–موضوع کتاب *معالم العترة النبویه* در بارهٔ ائمهٔ شـیعه(ع)، حضـرت فاطمـه(س) و خدیجه(س) است. در بارهٔ رسول خدا مطالب اندکی اختصـاص یافتـه اسـت. تعـدادی روایت از جنابذی در باره پیامبر باقی مانده که معلوم نیست این مـوارد از *معـالم العتـرة النبویه* نقل شده باشد زیرا تصریحی به کتاب وی نشده است. چنان که موارد نقـل شـده از جنابذی در موضوع زندگانی امام علی(ع) – بر اساس آنچه *کشف الغمه* نقل کـرده –

اندک است و مجموعاً در *کشف الغمه* از جنابذی در این موضوع سه خبر نقل شده است که یک خبر آن نیز می‌تواند از بخش مربوط به فاطمه زهرا باشد. همچنین جنابذی در این کتاب شرح حال یازده امام را ثبت کرده و از پرداختن به شرح حال امام دوازدهم چنان که اشاره خواهد شد، پرهیز کرده است. دربارهٔ علت نپرداختن زیاد به زندگانی امام علی، می‌توان دو احتمال را مطرح کرد، اول این که کتاب *معالم العترة النبویه* بخش مربوط به امام علی را نداشته چنان که بخش مربوط به امام زمان نیز در آن نبوده است که این احتمال صحیح به نظر نمی‌رسد، زیرا اغلب کتاب‌هایی که به شرح حال ائمه و فاطمه زهرا(س) پرداخته‌اند، ابتدا شرح حال امام علی(ع) را نوشته‌اند. احتمال دوم این که بخش امام علی(ع) در آن موجود بوده اما چون در زمینهٔ زندگانی آن امام کتاب‌های فراوان و مفصل- مانند *مناقب خوارزمی*(د ٥٦٨ ق)، که قدمت بیشتری داشته‌اند- در اختیار اربلی بوده، از آنها برای تدوین زندگانی امام علی(ع) استفاده کرده و سراغ منابع متأخر مانند نوشته جنابذی نرفته و به ندرت اخباری از آن را در زمینهٔ زندگانی امام علی درج کرده است.

ساختار کتاب بر اساس نام ائمه است و برای هر یک از ائمه شرح حالی تهیه شده است. شرح حال‌ها در *معالم العترة* جنابذی دارای اجزایی چنین است: اطلاعات و گزارش‌های زمانی مانند زمان ولادت و وفات، احادیث مربوط به فضایل و مناقب، بیان رخدادها و گزارش‌های تاریخی، فرزندان و نسل امام، سخنان و راویان از امام.

شرح حالی که جنابذی به امام نهم، دهم و یازدهم اختصاص داده مانند منابع دیگر اندک است. بر اساس گزینش اربلی- که به نظر می‌رسد تمام آن چیزی است که جنابذی در *معالم* و در شرح حال این سه امام آورده است- گزارش‌های مربوط به شرح حال امام جواد در پنج صفحه تنظیم شده است که چهار صفحهٔ آن نیز سخنان امام جواد است و مربوط به نقل حوادث تاریخی و یا شرح حال نیست (اربلی، ٨٥٩/٢). چنان که کل اطلاعات درج شده در باره امام علی النقی(ع)، نصف صفحه است (همو، ٨٨٥/٢)،

و شرح حال امام حسن عسکری(ع) حدود یک صفحه است (همو،۹۱۰/۲)، که احتمالاً در منبع اصلی (*معالم العترة*) نیز گزارش‌های مربوطه به این امامان به همین میزان بوده است، زیرا اربلی معمولاً مطالب مربوط به هر امام را یکسره و پیوسته از معالم العترة نقل می‌کند.

نکتهٔ مهم دیگر در بارهٔ *معالم العترة* این است که کتاب فاقد شرح حال امام مهدی(عج) بوده است. اربلی پس از نقل گزارش جنابذی در بارهٔ امام حسن عسکری(ع) که در حدود یک صفحه است می‌نویسد: تمّ کتاب *معالم العترة* و الحمدلله (اربلی،۹۱۰/۲). ناتمام گذاشتن شرح حال ائمه و نپرداختن به شرح حال حضرت مهدی از سوی جنابذی نشانگر تردیدهای وی در بارهٔ حضرت مهدی بدان گونه که شیعیان به آن حضرت اعتقاد دارند، بوده است. چنان که نویسندگان منطقهٔ شامات در قرن هفتم همچون ابن کثیر (۱۵۳/۱، ٢٤٨/٦) و ذهبی(۱۵/۲۰) چنین تردیدهایی را ابراز کرده‌اند. این رویّهٔ جنابذی مورد اعتراض اربلی قرار گرفته است.

-تاریخ‌نگاری جنابذی تاریخ‌نگاری حدیثی روایی است و بیشتر از منابع حدیثی برای تدوین کتاب خویش بهره برده است. بر اساس موارد برجای مانده، از جمله منابع جنابذی در تدوین کتاب خود، *جامع ترمذی* و *حلیة الاولیاء* بوده است.

- تاریخ‌نگاری جنابذی به لحاظ محتوا کمتر آمیخته به غلو و داستان شده و مناقب نقل شده برای ائمه، مناقبی نیست که از ایشان چهره‌ای فوق بشری بسازد. و آنچه با این دیدگاه نقل شده اندک است. یکی از موارد چنین است که جبرئیل به صورت دحیه کلبی در جنگ بدر چندین بار به کمک امام علی می‌شتابد و آن حضرت را که در اثر ضربات دشمن به زمین خورده، بلند می‌کند(اربلی، ۲۰۷/۱). جنابذی در تاریخ امام حسین(ع) نیز مواردی از رخ دادن حوادث غیر طبیعی پس از شهادت آن حضرت را نقل می‌کند، مانند پیدا شدن خون تازه زیرسنگ‌های بیت المقدس و برخورد ستاره‌ها

با یکدیگر و محو شدن قطعه طلایی از متاع به غارت رفته امام حسین(ع) که زرگری در صدد تبدیل آن بود و شنیده شدن نوحه جنیان بر حسین(ع)(همو، ۵۹۷/۱).

در موارد نقل شده از جنابذی، زندگانی ائمه ارتباط چندانی با صحابه‌ای که مورد تکریم اهل سنت اند، نیافته است. وی برخی مثالب صحابه مانند معاویه را در گزارش‌های اندک به طور ضمنی نقل کرده است. نمونهٔ آن گزارشی است که بر اساس آن معاویه تلاش می‌کند تا از نسبت دادن امام حسن(ع) و امام حسین(ع) به پیامبر جلوگیری نموده و آنان را به علی(ع) منسوب کند، و حال آن که معاویه، فرزندان دخترش را به خود منسوب می‌داشت(همو، ۵۱۵/۱). البته همچون دیگر نویسندگان اهل سنت، برای نشان دادن پیوند میان ائمه و خلفای نخست، در شرح حال امام صادق(ع) سخن مشهور آن حضرت بر این که ابوبکر او را دو بار زاده است، نقل می‌کند(همو، ٦۹۷/۲). چنان که گزارشی از اظهار محبت ابوبکر به امام حسن(ع) ثبت می‌کند که بیانگر روابط نیک میان ابوبکر و امام علی(ع) است(همو، ٤۹۲/۱).

جنابذی در معرفی ائمه به سخنان آنان توجه بسیاری کرده است. وی این جنبه از زندگانی ائمه را برجسته نموده و توجه مضاعفی به سخنان ایشان کرده است. به این ترتیب او از منظر سخنان ائمه تلاش کرده تا آنان را به صورت معقول معرفی نموده و دانش و اخلاق ایشان را نشان دهد. او از خلال اعجاز و کرامات به زندگی ائمه نپرداخته است.

با این که جنابذی تلاش کرده تا در نگارش کتاب خویش به معتقدات شیعیان و اهل سنت تعرضی نکند، گزارشی نقل نموده که می‌توانسته مورد توجه عده‌ای از شیعیان که پی‌گیر منازعات مذهبی هستند، قرار گیرد. جنابذی به نقل از ابن حَمّاد گزارشی نقل می‌کند که سن خدیجه را هنگام ازدواج با رسول خدا - بر خلاف معمول- ۲۸ سال دانسته است(همو،٤۸۱/۱). در مورد دیگر نیز همین خبر را به نقل از ابن عباس ثبت کرده است(همو،٤۸۲/۱). این روایت می‌تواند، دختر بودن خدیجه هنگام

ازدواج را تقویت نموده و بدین ترتیب، فضیلت انحصاری عائشه را که بدان افتخار می‌کرد، زیر سئوال برد.

در منابع اهل سنت مانند *جواهر العقدین*، در بارهٔ امام باقر و ائمه پس از ایشان از جنابذی مطلبی نقل نشده است. تنها *کشف الغمه* این بخش‌ها را انعکاس داده است که این نشان‌گر کم توجهی به ائمه پس از امام صادق(ع) در منابع اهل سنت است.

منابع جنابذی در برخی موارد روشن نیست. او دعایی نسبتا بلند را از امام سجاد(ع) نقل می‌کند که در منابع دیگر از جمله *صحیفهٔ سجادیه* یافت نمی‌شود (همو، ٦٤٠/٢). چنان که برخی مطالب وی نادرست است که اربلی این موارد را یاد کرده است. از جمله آگاهی‌های وی در بارهٔ فرزندان امام حسین(ع)، کاستی دارد(همو، ٥٨٢/١). چنان که اربلی حضور امام سجاد(ع) در مسجد کوفه و خواندن دعا و نماز در آن را که جنابذی نقل کرده، رد کرده است(همو، ٦٤٢/٢).

نتایج

از این بررسی نتایج زیر به دست می‌آید:

۱. بعضی از نویسندگان شیعی پرهیزی در استفاده از کتاب‌های نوشته شده از سوی اهل سنت نداشته‌اند و از کتاب‌های آنان استقبال کرده‌اند. چنان که اربلی حجم قابل توجهی از کتاب *معالم العتره* را در کتاب خود، *کشف الغمه*، جای داده است.

۲. محتوای کتاب‌های نوشته شده اهل سنت در موضوع زندگانی دوازده امام، در بیشتر موارد همخوان با عقاید شیعیان است و به ندرت گزارش‌هایی یافت می‌شود که ناسازگار با عقاید شیعیان باشد، به طور معمول این موارد به کتاب‌های شیعی راه نیافته و حذف شده است.

۳. توجه به کرامات ائمه و نقل اخبار غیر عادی در باره ایشان، اختصاص بـه منـابع شیعی ندارد، بلکه منابع اهل سنت نیز این موارد را نقل کرده‌اند، چه بسا که ایـن مـوارد از منابع سنی به منابع شیعی راه یافته باشد.

٤. جنابذی همچون برخـی دیگـر از نویسـندگان فضـایل نـویس اهـل سـنت، بـه اختلاف‌های میان ائمه و خلفـای وقـت نپرداختـه اسـت. از ایـن رو هـیچ اشـاره‌ای بـه اختلاف‌ها و مباحثات پیش آمده، پس از درگذشت رسول خدا میـان خانـدان امامـت و اصحاب سقیفه نمی‌کند و از اقدامات فاطمه زهرا(س) و مناسبات وی با خلفا گزارشـی نقل نمی‌نماید، زیرا اگر چنین مطالبی در کتاب جنابـذی وجـود داشـت، اربلـی آنهـا را منعکس می‌کرد.

کتابشناسی

آقا بزرگ طهرانی، ***الذریعة الی‌تصانیف الشیعه***، قم، موسسه مطبوعـاتی اسـماعیلیان، بی‌تا.

ابن ابی یعلی، محمد، ***طبقات الحنابله***، بیروت، دار المعرفة، بی تا.

ابن الأثیر، ***الکامل فی التاریخ***، بیروت، دار صادر – دار بیروت، ۱۹٦٥/۱۳۸٥.

ابن حجر عسقلانی، ***تغلیق التعلیق***، به کوشش سعید عبـد الـرحمن موسـی القزقـی، بیروت، المکتب الاسلامی، ١٤٠٥ق.

ابن دبیثی، محمدبن سعد، ***ذیل تاریخ مدینة السّلام***، به کوشش بشار عواد معـروف، بیروت، دار الغرب الاسلامی، ١٤٢٧ق.

ابن رجب، عبدالرحمن بن احمد، ***طبقات الحنابله***، بیروت، دارالمعرفة، بی تا.

ابن سید الناس، ***عیون الأثر***، بیروت، موسسهٔ عز الدین، ١٤٠٦ق.

ابن العدیم، ***بغیة الطلب فی تاریخ حلب***، به کوشش سهیل‌زکار، بیـروت، دارالفکـر، بی‌تا.

ابن کثیر، ابوالفداء الحافظ، ***البدایة و النهایة***، بیروت، دارالفکر، ۱۳۹۸ق.

ابن مفلح، برهان الدین إبراهیم بن محمد(د ۸۸٤ ق)، ***المقصد الأرشد فی ذکر أصحاب الإمام أحمد***، به کوشش عبد الرحمن بن سلیمان العثیمین، ریاض، مکتبة الرشد، ۱٤۱۰ق.

اربلی، ***کشف الغمة فی معرفة الأئمة***، قم، رضی، ۱٤۲۱ق.

اسماعیل پاشا البغدادی، ***هدیة العارفین***، بیروت، دار إحیاء التراث، ۱۹۵۱م.

بحرانی، سید هاشم، ***حلیة الأبرار*** ،قم، مؤسسهٔ المعارف الإسلامیهٔ، ۱٤۱۱ ق.

ـــــــــــ ***غایة المرام و حجة الخصام فی تعیین الإمام من طریق الخاص و العام***، به کوشش سید علی عاشور، بیروت، مؤسسة التأریخ العربی، ۱٤۲۲ ق.

الجزری، شمس الدین محمد بن محمد بن محمد، ***أسنی المطالب (مناقب الاسد الغالب ممزق الکتائب و مظهر العجائب)***، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱٤۲٦ق.

حاجی خلیفه، مصطفی بن عبد الله، ***کشف الظنون***، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.

حر العاملی، محمد بن حسن حر، ***اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات***، بیروت، موسسهٔ الاعلمی، ۱٤۲۵ق.

حسینی عاملی، سید تاج الدین، ***التتمة فی تواریخ الأئمة علیهم السلام***، قم، بعثت، ۱٤۱۲ ق.

حموی شافعی، ابراهیم بن سعد الدین، ***فرائد السمطین***، بیروت، مؤسسة المحمودی، ۱٤۰۰ ق.

ذهبی، ***تاریخ الاسلام***، به کوشش عمر عبد السلام تدمری، بیروت، دار الکتاب العربی، ۱٤۱۸ق.

ـــــــــــ ***تذکرة الحفاظ***، به کوشش زکریا عمیرات، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱٤۱۹ق.

ـــــــــــ ***سیر اعلام النبلاء***، به کوشش شعیب الارناووط، بیروت، موسسة الرسالة، ۱٤۱٤ق.

سمهودی، علی بن عبدالله، ***جواهر العقدین فی فضل الشرفین***، بـه کوشـش موسـی بنای العلیلی، بغداد، مطبعهٔ العانی، ۱٤۰۵ق.

السیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، ***بغیة الوعـاة فی طبقـات اللغـویین والنحـاة***، بـه کوشش محمد أبوالفضل إبراهیم، صیدا، المکتبة العصریة، بی تا.

شبلنجی، مؤمن بن حسن، ***نور الأبصار فی مناقب آل بیت النبی المختار(ص)***، قـم، رضی، بی تا.

صبحی صالح، ***علوم الحدیث و مصطلحه***، قم، مکتبة الحیدریه، ۱٤۱۷ق.

قمی، شیخ عباس، ***الکنی و الالقاب***، به کوشش محمد هادی الامینی، تهـران، مکتبـة الصدر، بی‌تا.

کحالهٔ، عمر رضا، ***معجم المؤلفین***، بیروت، دار إحیاء التراث العربی، بی تا.

ماحوزی، ***کتاب الاربعین***، به کوشش سید مهدی رجائی، قم، امیر، ۱٤۱۷ق.

مزی، ***تهذیب الکمال***، به کوشش بشـار عـواد معـروف، بیـروت، مؤسسـهٔ الرسـالة، ۱٤۱۳ق.

مناوی، ***فیض القدیر***، به کوشش أحمـد عبـد السـلام، بیـروت، دار الکتـب العلمیـه، ۱٤۱۵ق.

میرحامد حسین، ***عبقات الانوار فی امامة الائمة الاطهار***، اصفهان، کتابخانه عمـومی امام امیر المومنین علی علیه السلام، ۱۳٦٦ ش.

یاقوت حموی، شهاب الدین ابوعبد الله، ***معجم البلدان***، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵م.